

ستاره سرخ

خلق يك کشور کوچک در صورتیکه جرات یابد و به مبارزه برخیزد و جسارت ورزد املحه بردارد و سرنوشست کشور خود را بدست گیرد، آنوقت یقیناً خواهد توانست بر تجا و ز کشوری بزرگ غلبه نماید. ایمن يك قانونمندی تاریخ میا شد

مردادماه ۱۳۴۹ برابر اوت ۱۹۷۰

ستاره سرخ - شماره چهارم - سال اول

مبارزات خلق فلسطین میگویند نه!

"راه حل سیاسی" برای پایمال کردن حقوق خلق فلسطین پیدا کنند. فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی در اردوستانه برزرف - کاسیگین بهد و لتاهی عربی که حاضر قبول " طرح روجرز" نیستند نمونه بشیرمانه‌ای از مداخلات تزارهای جدید شوروی و شیوه های ضد انقلابی آنان در خفه کردن آتش انقلاب مسلحانه خلق فلسطین میباشد.

ولی در مقابل این توطئه‌ها مبارزات خلقهای عرب و بویژه خلق فلسطین، بعنوان عامل تعیین کننده انقلاب کشورهای عربی و فلسطین، بطور موج وار به پیش میروند. مبارزات قهرآمیز ضد امپریالیستی از گرانته های در یای عمان تا سواحل مدیترانه سد شکست ناپذیری را بر امپریالیستها، سوسیال-امپریالیستها و مرتجعین داخلی سرزمینهای این منطقه بوجود آورد است.

جمع‌آوری باعث بوجود آمدن اوضاع کنونی در خاورمیانه شده است:

۱- امپریالیسم امریکا که تاضاد های درونی و بیرونی لاینحلی گریبان گیر است و جنگهای توده‌ای در آسیای جنوب شرقی و مبارزات پراکنده توده‌های مردم امریکا، او را در محاصره‌انداخته است از رشد انقلاب در خاورمیانه هراسان است.

۲- وضع اقتصادی اسرائیل روز بروز ترسید. مخارج جنگ تجاوزکارانه حکومت صهیونیستی بار قام سرسام آوری ارتقا یافته است و بحرانهای شدید اقتصادی موجودیت این حکومت را تهدید میکند. شکست اسرائیل در جنبه جنگ توده‌ای و روشنگری مالی آن ضرر است بر امپریالیسم امریکا و سیستم نو استعماری او در خاورمیانه.

۳- تحت تاثیر مستقیم انقلاب خلق فلسطین قشرهای وسیعی از زحمتکشان عرب به مبارزه قهرآمیز علیه مرتجعین بین‌المللی و محلی برخاسته‌اند. توسعه این مبارزات منافع اقتصادی و مقاصد سیاسی سوسیال-امپریالیستها را نیز در خاورمیانه بخطر انداخته است.

این عوامل باعث شده‌اند هم امپریالیستها و هم سوسیال-امپریالیستها منافع خویش را در خطر ببینند و در مقابل نیروی عظیم توده‌های خلق عرب با یکدیگر سازش جدیدی بنمایند. " طرح راجرز" تبلور این سازش در لحظه‌ایست که آنان در رعل دریافتند اند سرنویس ایمن جنبش با وسایل قهر و درمید انهای جنگ توده‌ای میسر نیست. " طرح روجرز" توطئه‌ایست شوم، سو، قصدیست با شیوه " مسالمت آمیز" علیه منافع خلقهای عرب و مقصود اصلی آن حفظ منافع امپریالیستها و سوسیال-امپریالیستها در خاورمیانه میباشد. روشن است که این منافع بناچار با منافع خلق فلسطین و خلقهای عرب در تضاد است.

نیکسون و روجرز جنایتکار باین نتیجه رسیده‌اند که تنها با سرکوبی انقلاب خلق فلسطین و خلقهای آنان میتوانند به بهره‌نشی و اعمال ظلم خلقهای عرب ادامه دهند. ولی در یولاد فلسطین که خلق فلسطین طی مبارزات طولانی و تجربه‌اندوزی در خاورمیانه بیان نمود است با حیل و تیرنگ مشتی بیرهای کاغذی، در هم تکیه نخواهد شد. خلق فلسطین طی مبارزات پیگیر علیه استعمارگران قدیمی و جدید و در جنگ علیه صهیونیسم آموخته‌اند که فقط با تکیه به نیروی مسلح خود و از طریق جنگ توده‌ای طولانی خواهد توانست به پیروزی نهائی دست یابد. بنابراین دیگر بقیه در صفحه دوم

" وظیفه مرکزی و عالیترین شکل انقلاب عبارتست از تصرف قدرت بوسیله نیروهای مسلح، یعنی حل مساله از طریق جنگ. این اصل انقلابی مارکسیستی لنینیستی در همه جا، هم در مورد چین و هم در مورد کشورهای دیگر صادق است.

ماتوسه دون موضعگیری سازمانهای انقلابی فلسطین و بعضی از دول عربی در مقابل پیشنهاد " صلح" امریکا (طرح روجرز)، و روحیه مبارزه‌جویانه عالی انقلابیون فلسطین پرده‌آزوری مقاصد شوم و نقشه‌های ننگین امپریالیستها، سوسیال-امپریالیستها و تمام مرتجعین محلی در خاورمیانه برداشت. گرچه این‌ها رنگرنگ بین‌المللی بدینوسیله قصد داشتند از رشد انقلاب خلق فلسطین وادامه مبارزه مسلحانه و جنگ توده‌ای در خاورمیانه جلوگیری نمایند. ولی خلقهای عرب و ریشا-پیش‌آنان خلق فلسطین ماسکهای تزویری را از چهره‌گریه آنان برداشتند، توطئه‌ها را برملا ساختند و مرتجعین دوست و دشمن خود را روشنتر تعیین نمودند.

" دشمن روز بروز پوسیده تر میشود، در حالیکه ما روز-بروز بهتر میگردیم." بدینصورت است که صد مائوآموزگار کبیر پرولتاریا و زحمتکشان گرایش‌عمومی جهان کنونی را نشان داده است. این ارزیابی را با کمی در وقت در مقایسه ارد و گاه انقلابی ضد انقلابی در خاورمیانه میتوان مشاهده کرد.

تاریخچه مداخلات و تجاوز امپریالیستها و سوسیال-امپریالیستها به خاورمیانه مقله‌ای طولانی است و در گنجایش این نوشته کوتاه نیست. ولی همینقدر کافیست بخاطر بیابیم که انگیزه تقسیم جهان بهد و منطقه نفوذ، این دو قدرتمند امپریالیستی راهمواره بر آن داشته‌اند تا هر دو به تمام نقاط کیتی بویژه خاورمیانه که یکی از مناطق مهم استراتژیکی جهان است و صاحب منابع سرشار نفت و نیروی انسانی ارزان قیمت میباشد، چشم طمع در و زند و از هیچ‌گونه دست‌اندازی و تجاوز و زبیرمانه نهراسند.

امپریالیستها با وجود آوردن پایگاهها و ضد خلقی در خاورمیانه از قبیل حکومت صهیونیستی اسرائیل، رژیم فاشیستی شاه ایران، حکومت مرتجع ملک فیصل در عربستان سعودی و ملک حسین در اردن و ایلاخره حکومت ضد خلقی ترکیه، به غارت و اعمال ظلم بخلقهای خاورمیانه از یر زمان مشغولند. اسرائیل و اندام مطمئن امپریالیسم امریکا نیز نقش ویژه‌ای در مورد سرنویس انقلاب خاورمیانه به‌سبب دارد. نتیجه‌های سیاست جنایتکارانه امپریالیسم امریکا، فقر و آوارگی میلیونها شعبی و استعمار وسیع زحمتکشان عرب میباشد. از سوه د بتر سیاسی-امپریالیستی‌ها نیز استفاده از شیوه‌های نو استعماری با ایجاد وابستگی نظامی و اقتصادی به اعمال نفوذ در کشورهای خاورمیانه میسر ازنده. فروش اسلحه و حمایت از شاه ایران، سو استفاده از شرایط مخصوص کشورهای عربی در حال جنگ با اسرائیل، برای جلوگیری از توسعه انقلاب، نمونه‌های بارز سیاست امپریالیستی رهبران روجرز و نیکسون شوروی علیه خلقهای خاورمیانه میباشد.

روشن است که اگرچه این دو قدرت امپریالیستی ماهیتاً همگوند و معهد اد رعل بر سر تقسیم جهان اینجا و آنجا در مقابل یکدیگر فرار میگردند و با هم در تضاد می‌افتند. ولی هر دو از رشد انقلاب و جنگهای توده‌ای هراسانند و به همین دلیل است که در خاورمیانه دست به سازش زدند تا با اصطلاح

هیات دبیران کفدراسیون تظاهرات، میتینگ و فعالیتها کوناگون دیگری با خراطاظهار همبستگی با مبارزات مردم و افشای جنایات رژیم راند ارک دیده و بعمل در آوردند. تظاهرات دانشجویان ایرانی در امریکا و اروپا، اعتصابات غذا، اشغال کسولگریها، تبلور مشخص مبارزه وسیع دانشجویان به‌عبارت جزئی از مبارزات خلق های عیبن ما بود است. این جنبش اخیر، کاملاً پیروز و موفق توانست پاسخ با وجگیری نوین مبارزه خلق در ایران بدهد و وظیفه خود را به‌عبارت بخشی از آنان ادا نماید.

چرا مبارزات اخیر دانشجویان اینگونه موفقیت آمیز بود. طبیعی است عوامل مهمی مانند هشیاری دانشجویان، تدارک کافی، تشکل خوب و سطح آگاهی خوب سازمانی و رهبری صحیح، در موفق شدن تظاهرات اخیر نقش مهمی بازی کرده‌اند. اما در اینجا باید بطور عمده بیک سالسه اشاره کنیم و آن شکل جدیدیست که تظاهرات اخیر داشته‌اند. در حقیقت مشی نوینی که دانشجویان مبارز برهبری کفدراسیون خود در پیش گرفته‌اند کاملاً با قانونمندی مبارزه در این مرحله معین انطباق دارد. باید یادآور شد که مبارزه مردم در ایران نیز اکنون شکلهای تازه‌ای میباشد. در اوچگیری دوباره نهضت، اشکال قهرآمیز و مبارزه‌های مرگ دیده میشود زحمتکشان، دانشجویان و روحانیون ضد امپریالیست و عیبن پرست در تمام طول مبارزه بار دیگر نشان دادند که راه مبارزه راه قهرآمیز است و قهر ضد انقلابی رژیم را فقط با قهر انقلابی میتوان جواب گفت. طبعاً این آغاز راه است و جنبش مردم ماهنوز مرکز تزل خود را در شهر ارد، اما پیدا است که این موج بزودی به روستا منتقل خواهد شد و بطور عمده تبلیغات رژیم و بزناوفتادان چند خائن تسلیم طلب، مبارزه خلق ما از روستا نیز بر خواهد خاست و خشم مردم بساط این خیمه شب بازی رژیم را در هم خواهد نوردید.

درست در همین مرحله و بر سر شکل علقی که کفدراسیون در پیش گرفته و چنانکه دیدیم به علت درست بودن آن از لحاظ تاریخی و همگونی با مبارزات مردم، به موفقیت عظیمی نایل شده است. مبارزه بین دو موش در جنبش دانشجویی نیز درگیر است. عددهای میخواسند مبارزات دانشجویی را از صحنه تارزاعلی به گوشه سالنهای کتابخانه بکشند، بهدین ترتیب آنرا زخمیر علی خود منحرف کنند. شرکت وسیع دانشجویان در این مبارزات عملاً این خطرا محکوم میکند و رشد سیاسی دانشجویان خارج کشور را با وجود دوری از مبارزات هم میهنان خود بخوبی نشان میدهد.

موفقیت مبارزات اخیر در چه بود؟ مبارزات عملی دانشجویان ایرانی در اروپا و امریکا تحت رهبری کفدراسیون نه تنها وظیفه خود را در برابر مبارزات خلق در ایران ادا کرد بلکه تودهنی بود به یاهو سرافیغ بقیه در صفحه دوم

طبق خبریکه دریافت کردیم. در ماه گذشته یکی از دانشجویان مبارز دانشکده فنی تبریز در استخر "شاه-گلی" تبریز در حالیکه غرق شده بود، از آب گرفته شده. در نقاط مختلف بدنش جای ضربه های زیادی بوده که نشان میدهد ابتدا او را کشته و بعد به استخر انداخته‌اند. در تبریز بشدت شایع است که سازمان امنیت او را کشته است، چون فعالیت زیادی داشته.

مبارزات مترقی دانشجویان ایرانی در خارج از کشور همیشه جزئی از مبارزات خلق ماعلیه سلطه امپریالیسم و ارتجاع دست‌نشانده بوده است. دانشجویان مبارز ایرانی در خارج از کشور هیچگاه پیوند خود را با مردم زحمتکش کشور فراموش نکرده‌اند و همواره میکوشند همبستگی خود را با آنها در رمل نشان دهند و در مراحل مختلف اشکال مشخص پشتیبانی خود را از مبارزات آنها پیدا نمایند. خواستهای مردم همیشه در مبارزات دانشجویان انعکاس پیدا کرده است همچنانکه دفاع از میهن پرستان زندانی همیشه بخش مهمی از فعالیتها و دانشجویان را در خارج از کشور تشکیل داده است بهم پیوستگی مبارزات دانشجویان خارج از کشور و مبارزات اقشار مختلف مردم در درون کشور آنچنان شد پیدا است که هرگز فراموش جنبش در داخل و جزیرود مشا را نیز در خارج به‌همراه داشته است.

مبارزات اخیر مردم بار دیگر صحت این حکم را ثابت کرد. هنگامیکه اقشار مختلف مردم در داخل کشور به مبارزه وسیعی علیه رژیم راجعی شاه دست زدند و شکست رفرم نو استعماری و تبلیغات پوچ و توخالی دستگاه را بار دیگر نشان دادند، در خارج کشور نیز دانشجویان تظاهرات پرده‌انهای علیه شاه و حامیان امپریالیست او پرداختند. در چهارم اوت، در حدود ۱۰۰۰ نفر از دانشجویان ایرانی تحت رهبری مستقیم هیات دبیران کفدراسیون به تظاهرات باشکوهی در شهر فرانکفورت دست زدند. آنها با شعارهای " شاه قاتل"، " شاه برو امریکا، ایران مال ایرانیاست"، " امریکا رس-اس است" و غیره همبستگی خود را با مبارزات اخیر مردم ایران و نفرت خود را با امپریالیست ها و کلیه مرتجعین نشان دادند.

دانشجویان ایرانی روز بعد کسولگری ایران را در مونیخ اشغال کردند و به یک اعتصاب غذا ۴۸ ساعته دست زدند. دانشجویان خواستار لغو حکم اعدام چهار روحانی میهنپرست و ایجاد تضمینات برای رفتن یک هیاتند نمایندگی کفدراسیون بایران بودند. این هیات که مرکب از ناظرین بین‌المللی و گاه‌درهای دانشجویی بود قصد داشت از نزدیک وضعیت زندانیان سیاسی ایران را مورد بررسی قرار دهد.

پلیس آلمان غربی با درخواست کسولگری بدستگیری اشغال کنندگان پرداخت. دانشجویان دستگیر نشده به اعتصاب غذای خود در رمل دیگری ادامه دادند و دستگیر شدگان هم پس از توقیف و بازجویی آزاد شدند و با اعتصاب بین پیوستند. این بار دانشجویان مبارز اعلام کردند که تا در پاسخ از طرف مقامات دولتی، اعتصاب غذا ادامه خواهد داشت. دولت ایران با پاسخ منفی خود به درخواستهای دانشجویان بطور عمده بوجانه‌ای در روی بودن تبلیغات گوشه‌خراش خود را در مورد وجود موکراسی در ایران و وضع " خوب" زندانیان، نشان داد.

همزمان با مبارزات دانشجویان ایرانی در آلمان غربی دانشجویان مبارز ایرانی در امریکا نیز مبارزه دیگری را در پشتیبانی و دفاع از مبارزات مردم و زندانیان میهن پرست آغاز کردند. آنها کهچندین پیش با اشغال کسولگری ایران در سانفرانسیسکو ضربه محکمی به رژیم و توطئه های تبلیغاتی او زد بودند و ۱۰ نفرشان تحت تعقیب دستگاه فاشیستی امپریالیسم امریکا قرار گرفتند، این بار نیز به پیروی از دعوت

پیروز باد مبارزه خلق فلسطین و دیگر خلقهای عرب علیه تجاوز امپریالیسم و صهیونیسم

طرد و انتقاد تسلیم طلبی

امواج نوین مبارزه که طی چند ماه اخیر علیه رژیم شاه خائن در ایران برخاست، بطور بی رحمانه و بی رحمتی در جبهه‌های مختلف و در تمام گوشه‌های کشور ما نشان داد. دانشجویان مبارز ایرانی در خارج کشور، بنیادهای مختلف ایران، از طریق تظاهرات پر دامنه و وسیع، اشغال کسولگریهای ایران در سنان - فرانسیسکو و ونیچ نفرت خود را علیه رژیم و توکرانش اعلام داشتند و با این عمل هرگونه روحیه وادادگی و تسلیم طلبی را محکوم ساختند.

این مبارزه علیه تسلیم طلبی واقفان و آشنایان نیزنگاههای رژیم در جبهه آید و تلوویزیون نیز ادامه یافت. ستاره سرخ در شماره ۳ بخشی از موضعگیریهای رفقای سازمانی را در مورد طرد تسلیم طلبی برای خوانندگان مبارز خود ارائه داد. نقطه حرکت ما عبارت از این بود که علیه تسلیم طلبی و فروتنی که روحیه غیرعده را در صفوف خلق تشکیلاتی می‌دهد، در همین اینک با این کمبودها باید توجه کنیم و صفوف خود را از هرگونه روحیه تسلیم طلبی پاک نماییم ولی در شرایط اینجور مبارزات خلقهای ایران علیه رژیم و علیه تسلیم طلبی، هنگامیکه دستگاه تبلیغاتی رژیم با بوق و کرنا خلق و ستاره‌های انقلابی آنها مورد انواع تهمت‌ها و استهزاء قرار داده بود، علیه نیز موضعگیریهای مایمونیست متوجه محکوم نمودن تسلیم طلبیان و خود فروشتا باشد و نیزنگاههایی جدید در شتاب خلق افشاگرند.

ما در زیر بخشهایی از برنامه رفقا و دوستان انقلابی خود را درج می‌کنیم: یکی از دوستان انقلابی ما می‌نویسد: "... می‌خواهم بطور مختصر عکس العمل تسلیم طلبی و خیانت پارسائوزاد و نیکخواه را در عرض یک ماهی که با بدیدنی احساسات با این مساله برخورد میکردم برای خوانندگان "ستاره سرخ" بنویسم. این تسلیم طلبی برای مدتی کوتاه ما از موضع خدمت خلق بطور عینی دور کرد بود. بطوریکه عجلانسه و احساسات از این خائن (به مبارزات مردم ایران) دفاع میکرد. تا اینکه در شماره اول "ستاره سرخ" بدست رسید. در بالای نوشته‌های آن روحیه خدمت خلق و از قربانی نهراسیدن را آموختم. من با برخوردی جدی با این مسئله و طرد پیش‌نهاد درست، از خود انتقاد می‌کنم. معتقد هستم که "ستاره سرخ" باید نیروی خود را بطور خلاق و شیفته روزی در خارج از کشور در وجهت بکار برد.

یکی طرد و انتقاد تسلیم طلبی در ایران و دیگری باز هم طرد و انتقاد تسلیم طلبی در خارج از کشور که بفرصتهای گوناگون ظهور میکنند از قبیل انحلال طلبی ...

باهمه و جود خود حاضر هستم که هرگونه کمکی چه از نظرمعنوی و چه از نظر مادی بجهت فدا و آرمانهای سازمان - انقلابی بکنم. زنده باد سازمان انقلابی و موفق باد ستاره سرخ! پاینده باد مبارزات خلقهای جهان، زنده باد رهبر بزرگ ما رفیق ماوتسه دون. با سلامهای گرم کونیستی رفقای واحدی می‌نویسند: "... مبارزه بین دو خط انقلابی ضد انقلابی، در سازمان ما بنیتابه هر سازمان مارکسیستی - لنینیستی دیگر در مدت زندگی چند ساله‌اش بطور مداوم همیشه وجود داشته است.

مبارزات بزرگ و روزیونیسم و فروروسیسم کمیته مرکزی حزب توده ایران، بفرصت خطاپورتنیستی قاسمی - فروتن و بالاخره بفرصت انحلال طلبان نشان‌ها‌های عینی مبارزه فوق - الذکر در درون سازمان ما بود، نه سازمان امان رشد و تحکیم، چه در سطح آید تلوویزیون - سیاسی چه در سطح تشکیلاتی داده است. اینها اموری بودند که با مبارزه و تغییر باور نیکی تبدیل شده‌اند ...

آماج نمودن خود فروشتانی چون پارسائوزاد و نیکخواه برای فاع از مواضع ضد انقلابی شاه و تبلیغ بفتح اوهده فی جزایجاد تزلزل و دلدی در بین انقلابیون کشورمانند ارد - ترو اوقی رژیم از توسعه‌اندیشه‌ها و توسعه ون در بین انقلابیون و ایجاد حزب طراز نوین طبقه کارگر که انقلابیون را تکیه نوین ایران را رهبری خواهد نمود، میباشد. بنابراین جنگ را با مارکسیست - لنینیستها و سازمان انقلابی ما اعلام نمود. این جنگ همانطور که قبلاً هم یاد آوری کردیم با دو وسیله مختلف انجام میگردد - خفقان قاسمیستی و تبلیغاتی گوشه‌گرکن ...

رفقای عزیز ... ادامه مبارزه تا آخرین مرحله، که مرحله تابناک پیروزی انقلاب میباشد و دور آه آن نهراسیدن از سختیها و مرگ، موضع خلقهای ایران در مقابل تسلیم طلبی و خیانت وادان، فروروسیسم میباشد. با اتحاد چنین موضعی توده‌های وسیعی از خلقهای ماجور رژیم پوشالی و تانکیک های ناشیانه ارمایه‌ها می‌دهند.

رفقا! موضع واحد ما در مقابل تسلیم طلبی و فروروسیسم خائنانه همان موضعگیریست که خلقهای ما نمود. ما همان آنان مبارزات و جانفشانیهای خویش را در گذشته و چه در حال، بهترین آموزگاران ما بوده‌اند. نترس بر خائنانه کاران، به پیش برای پیوند با کارگران و دهقانان به پیش برای ایجاد حزب طراز نوین طبقه کارگر.

رفقا و دوستان مبارز!

جنبش توده‌های انتقاد و طرد تسلیم طلبی و فروروسیسم را از طریق شرکت فعال در مبارزات عملی و دفاعی گسترش دهید و صفوف خود را از هرگونه روحیه تسلیم طلبی پاک کنید.

همه روشن کنیم که ملاز لحاظ گذشته آنها از جهامکاناتی برخوردار بودند و با چه مقدار از سازمان پول گرفته‌اند. زیرا بحث در این مورد را انحراف از ضوابط اساسی میدانستیم که منظور این دو نفر بود. ولی آنها از این برخورد اصولی سازمان ما استفاده کردند و با بهره‌گیری و جوازه بخش شایعات پرداختند و احساسات بعضی جوانها سو ... استفاده کردند. لنین میگوید "عوام فریبان بدترین دشمن طبقه کارگرند". بناسیت همین صفت "برجسته" قاسمی بود. ما ست که خسرو روزی با لقب "آخوند" داده بود ولی باید گفت که او دستبعضی آخوند نماهاران نیز از پشت بسته است.

بقیه خلق فلسطین میگوید نه! حاضر نیست فریب "خرد مندی" این بآآن مرتجع رویاه - صفت را بخورد.

روزنامه "انفتح" ارگان کمیته مرکزی سازمان رهائی فلسطین طی تفسیری در ۲۸ ژوئیه تحت عنوان "بازهم نه" چنین می‌نویسد: "ما امروزه فردا و پس فردا می‌گوییم نه از هر زمان که بخواهیم ما از انزوا صحیح منحرف نمائیم، واداره معامله کند، ما بر اساس اراده خلق و ملت ما، تفنگ بدست می‌گیریم نه! ما به آنها تفکیک خواهان راه حل مسالمت آمیزند و همچنین به آنها تفکیک می‌خواهند با اعمال فشار راه حل مسالمت آمیز را با تحمیل نمایند می‌گیریم نه! ما خلق کوچکی هستیم ولی خلق ما دارای اراده رزنده است که قدرتهای بزرگ آنرا ندارند. ما اسلحه بدست قیام کردیم و به همین خاطر قادر هستیم بگیریم نه! ما هرگونه قیومیستی را رد می‌کنیم. ما قیومیست خطی را رد نمی‌نماییم و امروز هم قیومیست جهانی را رد می‌کنیم. و اصول ما در آن همیشه یکی است. اگر آن قدرتهای بزرگ هنوز می‌توانند که نیروی آنها می‌تواند جهان را کنترل نماید و شرایط خودشان را بد بگردانند تحمیل نمایند و مرزهای تعیین کنند. ما به آنها می‌گوییم نه! ما خودمان مرزهای می‌نشانیم راصحین می‌نماییم زیرا اینجا سرزمین فلسطین است و خلق این سرزمین سرنوشت خود را خودش تعیین می‌نماید. ما هرگز اجازه نخواهیم داد قیودی را بما تحمیل نمایند.

جوزج حبش رهبر جبهه توده‌های آزاد بیخس فلسطین طی صحابه‌ای در تیروی (در شمال لبنان) قاطعانه آخرین "ابتکار" امریکاییها و روسها را رد نموده و گفت: "پد یرش این باصطلاح "بتکار نوین" بمعنی شناسایی اسرائیل و پامال نمودن حقوق خلق فلسطین و سرکوبی جنبش مقاومت آن میباشد. بنابراین ما مصمم هستیم تمام قزاقو اتاکی خود را بکنار بدهیم تا هرگونه راه حل مسالمت آمیز را تقیم نگذاریم. خلق فلسطین را با زور از سرزمینشان بیرون رانده‌اند، این حق است تا به هر وسیله انقلاب خود را برانجام رسانیم. امپریالیسم، و بیرون آمپریالیسم امریکا دشمن ماست."

از سوی دیگر خلقهای چین و آلبانی، این پشت جبهه‌های انقلاب جهانی با پشتیبانی بیدریغ و همه جانبه از مبارزات خلق طلبانه واداران خلق فلسطین و خلقهای عرب وارد یگر با روحیه عالی کونیستی و فداکاری خود را بوظایف انترناسیونالی خود اعلام داشته‌اند.

خلقهای ایران نیز همراه با تمام توده‌های زمینکن جهان که علیه ظلم و ستم امپریالیسم و سوسیالیسم - امپریالیسم و سگهای زنجیری آنان مبارزه می‌نمایند، آگاهانه و مصمم از خلق فلسطین و راه راستین او دفاع میکنند. توده‌های وسیع خلق ما از طریق تظاهرات خیابانی و عملیات قهرآمیز همیستی خود را با خلق فلسطین در امر مبارزه با امپریالیسم و فروروسیسم و سوسیالیسم - امپریالیسم ابراز داشته‌اند.

کشورهای دیگری هم مانند ویتنام، قبرن، پهن جنوبی عراق، الجزیره و شکورازا و بلی مخالفت خود را با "طرح روجز" اعلام داشته‌اند و از مبارزه خلق فلسطین پشتیبانی کرده‌اند. این واقعه‌ها نشان میدهد که سیاست خائنه امپریالیستی و سوسیالیسم - امپریالیستی تجاوزکار با شکست روبه‌رو شده و آنها روز بروز ضرفتر میشوند. مرگ حتمی از آن آنها و آینده زینا متعلق به خلقهاست. پیروز باد انقلاب مسلحانه خلق فلسطین!

زنده باد همیستی مبارزه جوانها بد گم خلقهای زمینکن!

مرگ بر تو خاله‌گران امپریالیسم و سوسیالیسم - امپریالیسم! مرگ بر اسرائیل سگ زنجیری امپریالیسم!

حال فرصت دیگری بدست این هوچیان ورشکسته افتاد است. آنها بعدری دستبسته شده‌اند که ختی برای حفظ ظاهر نتوانسته‌اند در روزنامه خود مقاله‌ای پشتیبانی از مبارزات خلق اختصاص دهند و با در جلسه "هیئت مرکزی خود قطعنامه‌ای در این مورد بگذرانند. آنها روزنامه خود را پر کرده‌اند از جملاتی نظیر اینکه "سازمان انقلابی از همان آغاز لانه عمل روزیونیست و سازمان امنیت گردید". آنها باین پس‌نکرده‌اند. آنها در قطعنامه کد انی با بطور ق اعلام میکنند که باید با "تبلیغاتی یاس آور ... در بیکار باشیم" اما خود چه میکنند؟ تبلیغاتی یاس آور! صرف نظر از بد مقاله‌ای که اختصاص به یاره گویی نسبت به سازمان ما داده شده و در آنها از "موقیست سازمان امنیت" نیز سخن رانده میشود. مقاله سومی نیز بنام "توفان در ترکیه" نوشته شده که حکایت از این میکند که سازمان امنیت در ترکیه نیگداژ "توفان" پخش شود. آنها در این شعار روزنامه خود براستی شیخ غول آسائی از سازمان امنیت پوشالی شاه ترمسیم کرده‌اند. آخر اگر در ترکیه هم از دست سازمان امنیت نمیتوان "توفان" را پخش کرد، تکلیف ایران چیست؟ این سؤال برای آنها خود بخود هیچگاه مطرح نبود است.



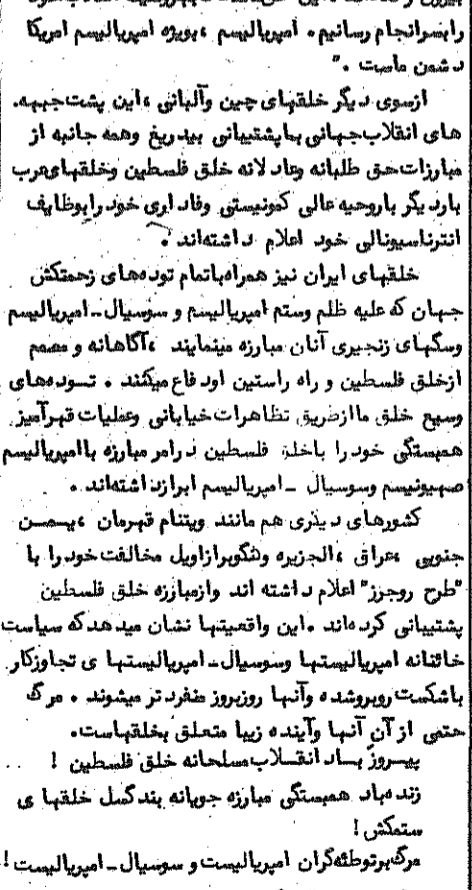
سخن کوتاه! سازمان ما مبارزات خود را در سطح آید تلوویزیون و سیاسی برای همه توده‌های انجام داده و همواره سعی کرده است که آنها را در جریان بگذارد. شیوه‌ای که نه در حزب توده معمول بود است و نه در "توفان" (قاسمی - فروتن). در "توفان" (قاسمی - فروتن) هیچگاه توده‌ها در جریان مبارزه بین دو خط منی قرار نگرفته‌اند. این بمعنی آنستکه اگر مبارزه‌ای هست در پشت درهای بسته انجام می‌گیرد و بنابراین مبارزه فراکونیستی و بر سر تحکیم قدرت قاسمی و فروتن است، یا اینکه باید قبول کنیم که اصلاً چنین مبارزه‌ای وجود ندارد و بنابراین "توفان" کوهی است بدون مبارزه آید تلوویزیون، بدون مبارزه بین دو خط - منی.

قاسمی و فروتن زمانیکه سازمان ما وارد شدند سرخنگ اصرار داشتند که مقوله‌ای بنام "ساختمان آید تلوویزیون" وجود ندارد. اکنون آنها چند واژه‌ای یاد گرفته‌اند ولی در حقیقت آنرا نمی‌فهمند. آنها مبارزه آید تلوویزیون را بسا پتیکهای گران بنام "مرکزیت"، "وحدت" و "پنهانکاری" در - هم می‌کنند. آنها هر بر شی را بنام "حفظ پنهانکاری" به حلقم بر سنده و بر میگرددند. آنها بر انتقاد را بنام "حفظ وحدت" سرکوب میکنند. آنها هر پنهانهای را که مخالف مصالح خودشان است بنام "حفظ مرکزیت" در سبند می‌انند ازند.

در مبارزه خارجیشان آنها توده‌ها را گمراهم میکنند. البته حمله را از رژیم برگردانده و متوجه سازمان ما می‌نمایند و شیوه مورد پسندشان "برجسب زدن" و فحاشی است. از شاهد این اعمال آنها مقایسه آن با تاریخ زندگی شان، بلافاصله بر ششهایی برای انسان مطرح میشود که آیا آنها شیوه مبارزه آید تلوویزیون را در پیش گرفته‌اند و به سیاحت آید تلوویزیون هیچگاه نقش اولی را داده‌اند یا به "برجسب زدن" و فحاشی کردن ضایل شخصی بشیوه پخش شایعات پرداخته‌اند؟

آیا آنها باصطلاح تصفیه‌های خود را در نتیجه مبارزه آید تلوویزیون، مبارزه بین دو خط منی که توده‌ها از آن باخبر باشند انجام داده‌اند یا این اخراجها بشیوه بوروکراتیک و از بالا بوده است بدون اینکه کسی خبردار شود؟ آیا آنها هیچگاه در پرتیک قدم نگذاشته‌اند و خود را در کوره عمل آزموده‌اند؟ یعنی آیا از خان کشور میدان اصلی عمل وارد شده‌اند و با سازمان امنیت دست و پنجه نرم کرده‌اند؟ یاد رخا، گوند نشسته و هر که را که در میدان مبارزه بینگ و ... آنها در این بیکار زنی هم میشود بهاد یا به - گویی گرفته‌اند؟

عمل آنها معرف ماهیت آنهاست. در اینجا دوشیوه است که ناشی از دو جهان بینی است: شیوه ما - شیوه آنها. ما مطلقیم که مبارزه با این اپور - تونیسیم نورنگ و کهن ریشه، ضروری است و جنبش نوین کونیستی ایران از آن بهره خواهد گرفت. از درون صفوف خون "توفان" کسانی خواهند بود که به نقش شوم این دو نفر پی ببرند و بجز سیاه آثارا بر زمین بگنند.



به خلق خدمت کنیم

قهرمانان واقعی توده‌ها هستند

گزارش یک روزنامه نگار کامبوجی از مناطق آزاد کامبوج (سینخوا ۳۰ ژوئیه ۱۹۷۰)

من وظیفه کار کردن برای یک واحد نظامی را داشتم که به فرماندهی ساهین بزودی بموی منطقه او - کروم میرفت. با خوشحالی برای پیوستن به واحد برافه اقدام کردم. ساهین فرمانده واحد را بخوبی میشناختم. طی جنگ مقاومت ضد فرانسه، ما در ون پوت و سون هم در یک واحد جنگیده بودیم. آنوقتها هر دو مان جوان بودیم... دشمن مادر و پدر ساهین را کشته بود. او برای انتقام خون پدر و مادرش به ارتش پیوست. او خیلی شجاع بود. با خاطر ارم یکبار واحد ما بقانون فرانسویها حمله کرد و آتش مسلسل دشمن ما را میکوب کرد. ساهین به تنهایی به درون دشمن خزید و با نارنجک سه مسلسل سیک دشمن را نابود کرد...

همینکه با واحد رسیدم ساهین را پس از ۱۶ سال جنگ ملاقات کردم. از فرط خوشحالی یکدیگر را در آغوش گرفتیم. بعضی از روزندگان در برافه جمع شدند. یکفراز آنها بمن سلام داد. متوجه شدم که سه لون، سو - جان و کاهین هم در این واحدند. احساس کردم که با همه آشنا هستم. سه لون و من در شرایط عجیبی با هم آشنا شدیم. سه سال پیش هنگامیکه بشهر سو - لونگ میرفتم، در راه جوانی را دست بسته دیدم که مستی او را تک میزد و میکشاند. او را از دست صحت در آوردم. جوان زندگی را برایم تعریف کرد. گفت مدتست در روماد در راه از دست داده، تا ۱۳ سالگی عمه اش او را بزرگ کرد و بعد از فرط فقر او را به سرما به اداری به ۲۰۰۰ ریپیل (واحد پول کامبوجی) فروخته است. سرما به در راه او را به ۳۰۰۰ ریپیل بمالک بزرگ دائم الخمری بنام چوسای میفرودند. از آن بعد او برده چوسای میگردد و برای او کاچران، کار در زمزمه و نوگری میکند. چوسای هر وقت کوچکترین عیبی در کارش به بیند او را بقدری تک میزند که تمام بدنش کبود شود.

به آرامی تجارب غم‌انگیز زندگی را برایم تعریف کرد. تاثیر خوبی روی من گذاشت. او را جوانی پاک و شجاع یا قسم. در استانهای از انقلاب برایش تعریف کردم. او با دقت و با چشمانی باز گوش میداد. پس از آنکه او را بهتر شناختمم کم کم وظایفی با و محول کردم و بعد ها او یک بین واحد ها شد. سه لون حالا بیک رزمنده ارتش آزاد پیوسته تبدیل شده است.

تظاهرات در کامبوج - جام تشون لون نول بعملیات پاك كردن در ده مادست زد. برادر م که کوم - و من فرار کردیم. دشمن پدر ما را با ۱۸ نفر دیگر از دهقانان بقتل رساند... خانواده ما را خوب میشناسم. پدر و مادرش از دهقانان زحمتکش بودند. به کاهین گفتم: "مرگ پدر و مادر ت مصیبتی است ولی زیاد غصه نخور" او اشکهایش را پاک کرد و گفت: "فکر نمیکنم درست باشد بگویم مصیبت. هر کجا مبارزه هست قربانی هم هست. با کمک کادر رها راه صحیح را پیدا کردیم. من به ارتش آزاد پیوستم تا انتقام خانواده و هم مینانم را بگیرم. سپس او با من بلندی گفت: "ته کوم به پارتیزانها پیوسته وتانند از راهای هم پیشرفت کرده. این نامه او است" موقع استراحت با کمک چراغ قوه کم نوری نامه را خواندم. "خواهر عزیزم کاهین از موقعیکه تورفتی... خیلی تغییرات در ده ما پیدا کرده. در اینجا پست فطرت بسزایش رسید. او میبایستی میزد، زیرا یک سگ زنجیری دشمن بود. خودم کو - خای به صد رجببه متحد ملی ده ما انتخاب شده یک گروه پارتیزانی اینجاست. چند روز پیش یک سگه از تشون لون نول برای عملیات پاك كردن" آمدند ولی شکست سختی خوردند و با فرار گد اشتند. نمیدانی چقدر همگی خوشحال شدیم... دستدار تو برادرت که کوم طرفهای صبح به پری لو رسیدیم و در آنجا روز پیم دهی در نزدیکی با بود. محظ اخوریم، با تعیین چند نفر نگهبان به استراحت پرداختیم. از میان جنگل سرو صدا به گوش رسید، برخاستم و جلو رفتم به بینم چه خبر است. دیدم چند زن با رفتاری نگهبان بحث میکنند. یکی از آنان میگفت: "شما باید این چیزها را که آوردیم قبول کنید یا اینکه بگذرید فرمانده شمارا به بینم والا اینجامانیم و نمیرویم آنها پنج کوزه آب و دو سطل آرد برنج گوله شده آوردند. ساهین را صد اکرم. او جلورفت و از زنان دهقان تشکر کرد و لی دیگر چیزی بود هدایای آنها را بپذیرد."

سahین هنگامیکه بی برد اهل ده مشغول شخوردن هستند، پس از صورت پاکان در راه، تمام فرماندهان و رزمندگان جز آنها یک کسب داشتند. دستور اد تا به کمک دهقانان بودند. رزمندگان خوشحال بودند که در کار مزرعه بد دهقانان میبیندند - دهقانان ابزار کار تهیه دیدند و با ریزانها آمدند و سونها مشغول کار شدند. سه لون بد دهقان کهنسالی کمک میکرد. او عیق و مستقیم شخم میزد و گاوها را خوب میزد. دهقان سالخورده مکررا میگوید: "تو خیلی خوب شخم میزنی، بهتر از من" سه لون با بخندگی جواب داد: "اگر بتوانم بپای شمسا برسم خیلی خوب کار کردم. چطور همگسست از شما بهتر شخم بزنی". دهقان پیر سؤال کرد: "قبلا چکار میکردی" او جواب داد: "مثل شماد مزرعه کار میکردم". دهقان سالخورده در حالیکه سرش را تکان میداد گفت: "آها فهمیدم!"

سراسر زمینهای شرقی و جنوبی ده را همان صبحی شخم زدم. مغرب حرکت کردم تمام اهل ده ما را بدرقه کردند. پیروزان کریم میکردند و با ناراحتی با ما وداع میگفتند. مسافتی از ده دور شده بودیم ولی هنوز دهقانان ایستاد بودند و دست تکان میدادند.

در جلوی ما منطقه اوچروم بود. جاییکه بوی باروت میداد و شعله های آتش از آن برمیخاست. آنجا محلی بود که ما میبایست وظایف نوین خود را اجرا کنیم. قلبم آکدهاز شادی و افتخار بود: آه میهن عزیزم کامبوج! این سو هستی کمدر دامت چنان پسران و دخترانی را پروراندی که برای رهائی از یوغ بدبختی و فقر بادی بزرگ نسبت بدشمنان خلق سلاح بدست گرفتند. رزمندگان ما تودها را خیلی دوست دارند و منافسانشان همچون ماهی و آب است. آنها با خاطر خلق میکنند. با چنین نیروی انقلابی، با چنین ارتش آزاد پیوسته قهرمانی، بی شک امیرالیستهای امریکائی و نوکرانشان از میهن ما بیرون رانده خواهند شد."

نامه به خوانندگان

در شماره سوم ستاره سرخ قول دادیم که با انتقاد دوستی بناوارطان در مورد داستان شماره اول ستاره سرخ پاسخ دهیم. وارطان میگوید: "داستانهای کوتاه از زندگی مردم میتواند ترتیب روحیه خلق مخصوصا جوانان بسیار موثرافتد... تبلیغات ارتجاع اگر زهر خوردگی فکری و پاس بآینده مبارزه را در ذهن خلق تزریق میکند، آرزوی استقامت در مقابل شکنجه دشمن، آرزوی شجاعانه زندگی کردن و از مشکلات نهراسیدن، آرزوی فد اکاری و گذشت از منافع شخصی. بیخود منفعت خلق و مبارزه را ضعیف میکند به گوشه نشینی میکشاند ولی آرزوهارا در دل خلق نمیتواند بگذرد. داستانهای زندگی آنها یک از تودم مردم زندگیشان تجلی انجام آرزوهاست میتواند زهر ارتجاع را بی اثر سازد و لوسی هر داستان را چنین قدرتی نیست. فقط قهرمانان آن داستان بد لب مردم میآیند و آنها را قوت قلب میدهند و مبارزه دعوت میکنند که زند ما باشند و زندگی آنان روح داشته باشد و نه خیمه شب بازی.

داستانی که در ستاره سرخ آمده است با اینکه با احتمال زیاد حکایتی از یک واقعت است در خواننده این احساس را بوجود میآورد که نویسنده گوشه ای نشسته و فکر کرده چطور یک جوان ۱۴ ساله را به جمع مبارزین بکشاند. چون ایمن قهرمان ۱۴ ساله ساخته فکر نویسنده است همه چیزش در اختیار او است. هر قدری که بر میدارد و هر عملی که از او سر میزند حکم نویسنده است چون نویسنده ماهم جا دنبال این مبارز جوان است مثل خبرنگاری که بدنبال آدم معروفی است تا رپورتاژی از او تهیه کند.

کارهای صد بهرتگی نمونه خوبی است از اینکه چگونه باید حکایت کرد ولی گذاشت قهرمان داستان خود حرف بزند و خود عمل کند. قهرمان داستان باید زند ما باشد. وزند کثیرا هم انسان احساس کند یعنی باید در حرکت باشد. چرا در این داستان هیچکدام از دوستان قهرمان ما با او صحبتی ندارند، چرا احساساتشان را برای یکدیگر بیان نمیکنند، چرا اشتباه میکنند تا از اشتباهش بیاموزد... مابا برخورد دوستان وارطان در مورد اهمیت داستانهای انقلابی موافقیم. داستانهای انقلابی برای تربیت آید ثولورگی خلق و در شرایط ماجورانان روشنگر خارج از کشور، به بالا بردن روحیه خدمت خلق در ما و وجود آوردن ایمان عمیق به این واقعیت که قهرمانان واقعی و ثولورادین شکست ناپذیر تودها هستند، نقش مهمی را به عهده دارند. داستانهاییکه منعکس کنند زندگی، مقاومت و مبارزات قهرمانانه تودها علیه استثمارگران و استعمارگران باشند وضعیت پیوستگی ارتجاعی را بمشابه نیروی میزند و مضحل شوند نشان دهند، در ایجاد روحیه نهراسیدن از مشکلات و برگ، یا فاشاری بروی مبارز سرسختانه - بدون در نظر گرفتن منافع شخصی - و بالاخره پیدا کردن ایمان به پیروزی نهایی تودها، در صفوف خلق کمک موثری دارند. چه معیارهایی برای ارزیابی یک داستان انقلابی وجود دارند؟

بنظر ما از دو معیار سیاسی و هنری که جنبه سیاسی آن نقش درجه اول دارد، باید بد داستانهای انقلابی برخورد نمود.

معیار سیاسی ما چیست؟ ۱ - باید دید داستان بچه کسی خدمت میکند (به تودهای وسیع کارگر و دهقان یانه)؟ ۲ - آیا داستان انسانی است از زندگی تودها؟ مردم ده "جاندارین" یعنی ترین و انسانی ترین "مصالح" را برای نوشتن داستان تشخیل میدهند. برای نوشتن آن آیا باید از سطح توده ها حرکت کرد یا نه و بالاخره برای آنها نوشته میشود و در خدمت آنهاست یا خیر؟ ۳ - آیا داستان در چارچوب سیاست عام پرولتاریا در مراحل مشخص انقلاب و برای پیشبرد آن قرار دارد یانه؟

معیار هنری ما چیست؟ ۱ - آیا وحدتی بین مضمون انقلابی و شکل هنری داستان وجود دارد یانه؟ ۲ - آیا از نظر هنری بیان کننده ارزش زمان خود است یعنی سبک تودهای دارد یانه؟

بر این اساس است که ما انتقاد دوستان وارطان را در مورد ملاک هنری داستان قبول داریم و معتقدیم که باید این کمبود را که بطور عمده مانع از اشتن پیوند فشرده با تودها و درک عمیق احساسات و سبک تودهای ناشی میشود

برای آنانکه سپاهی دانش بودند شهادتی در روستاهای ایران و در میان دهقانان بسر بردند. شما از نزدیک شاهد وضع زندگی سخت و پر محنت دهقانان زحمتکش ایران بودید. شناخت شما از زندگی آنان، مبارزه آنها و همچنین آرزوهای تقوی آنها و روشاالی بودن تبلیغات دستگاه حاکم، از شاهد مستقیم بروی خیزد. وظیفه شماست که همه را در جریان این تجربه قرار دهید. ما از همه دوستان انقلابی خود دعوت میکنیم، تجربیات خود را در روستای ایران بنویسند و با طراوت و پنهانکاری برای ستاره سرخ بفرستند. با نشر این نوشتهها همه دانشجویان از تجارب شما بهره خواهند گرفت و خواست انقلابی آنها در پیوستن بکارگران و دهقانان و خدمت بخلق محکتر خواهد شد. آنچه را که در روستا دیده‌اید برای ما بنویسید. "ستاره سرخ"

بر طرف سازیم. همین کمبود باعث میشود گفتوایم بقدر کافی شور و شوق توده‌ها را در انقلاب کردن بیان داریم و شکستهای که این مضمون انقلابی را از رخس سازد، انتخاب کنیم. در این مورد کارهای صد بهرتگی نمونه برجسته‌ای برای ما بشمار میروند که باید از آنها بیاموزیم.

ولی گفتن چند مساله بنظر ما ضروری است. اول اینکه داستان علی کوچولو یک داستان واقعی است و این قهرمان ۱۴ ساله جزو هزاران قهرمان دیگر است که از میان تودها بروی خیزند و در صورت وجود شرایط ذهنی انقلاب قادر به رشد سریع هستند. دوم اینکه شرح حال زندگی و مبارزات علی کوچولو که در داستان آمده است بخشی از زندگی اوست که خودش آنرا تعریف کرد است و نویسنده جز جمع و جور کردن آن چیزی به آن اضافه نکرده است. و بالاخره مساله‌ای که ما روشنفکران انقلابی همیشه باید در مدنظر بگیریم اینست که در مبارزات توده‌ها جنبه عدم راقهرمانیها، از خود گذشتگیها، مبارزات سرسختانه و اعتقاد به پیروزی تشکیل میدهند و ما نباید هیچگاه جنبه تابناک این مبارزات را از نظر دور آریم. بلکه باید متواضعانه از آن بیاموزیم. اصرار ورزیدن روی جنبه غیرعده که عبارتست از اشتباه تودها ما را به جدا شدن از آنها به ذهنگیری و رویزینیم میکند و باجهان بینی که معتقدیم تودها سازنده تاریخ اند در تضاد میافتد.

ما بازم از دوستان وارطان تشکر کرده و از خوانندگان ستاره سرخ درخواست میکنیم که با فرستادن نظرات و انتقادات خود در بهتر کردن مقالات و داستانهای ستاره سرخ که هدفش خدمت کردن به تودهای کارگر و دهقان و امرانقلاب ایران است به ما کمک کنند.

با سلامهای گرم کومینستی ستاره سرخ

توده شماره ۱۹ : درباره مبارزه مسلحانه در کردستان ایران ، منتشر شد .

توده شماره ۲۰ : لنینیم است یا سوسیالیسم امپریالیسم انقلاب ظفار

...
منتشر شد . توده را بخوانید و ایران بفرستید . برای رزمندگان توده و ستاره سرخ بهما انتقاد کنید . ارسال اخبار و مقالات با ما همکاری کنید !

نشانی
توده و ستاره سرخ

آدرس پستی: Mme. PAOLA DI CORI
C.P. 493 S.SILVESTRO ROMA - ITALY

حساب بانکی: GÜNTHER BOCK
HAMBURGER SPARKASSE VON 1827
KTO. NR: 333-53798
HAMBURG - W. GERMANY

**در رفع مشکلات مالی
ما را یاری دهید!**

آینده تابناک است راه پر پیچ و خم از سختیها و مرگ نهراسیم

دوشیوه، دو جهانی بینی

باران که بارید، کمپاسرا خاک بیرون درمیآورد . جفت ضد انقلابی (قاسمی - فروتن) در شماره گذشته توفان (۳۵) ، خود را عریانتر از همیشه نمایانده است . این شماره آئینه تمام نمائی است که اپورتونیسیم این جفت قدیمی را در پرتواوضاع جدید بهتر نشان میدهد . اوضاع چیست ؟ اوضاع جدید عبارت از اوچگیری د و باره مبارزات مردم میهن ماست . هممنیروهای د و موکراتیک ، انقلابی ضد امپریالیستی ، با همه امکاناتیکه داشته اند ، کوشیدند و وظیفه خود را در این شرایط امانت بیابدند . سازمان مانیزیکه این اوچگیری را پیش بینی کرده بود ، با شور و فراوانی به پیشوازان شافت و در حسد توانائی خود در این مبارزه شرکت جست . اوچگیری نوین مبارزه انقلابی هموطنان مادرعین حال همراهمانورهای ضد انقلابی رژیم بود که طبق معمول د و رویه داشت ، یکی قهر ضد انقلابی و دیگری حيله و مذبذلباس اصلاحات و فرم . رژیم زیمکودست به کشتار ، شکجهوزندانی کردن هموطنان مازد و ازسوی دیگر دو خائن مرتد را به پشت دستگامهای تبلیغاتی خود آورد تا مگر افکار انقلابیون را منحرف سازد و بیانی چند را به ام خود بکشد . اما این حيله های رژیم نتوانست جلوی موج مبارزه خلق را بگیرد و این هر لحظه بزرگتر شد .

در این میان اپورتونیستهای واخوره " توفان " (قاسمی - فروتن) چه کردند ؟ آیا از دل و جان به پشتیبانی مبارزات مردم برخاستند ؟ آیا تجزیه و تحلیلی از اوضاع به دست دادند ؟ راهی را نشان دادند ؟ افشاکری کردند ؟ نه ! آنها در دست در این هنگام با تمام قوا از فرصت استفاد کردند و به سازمان انقلابی ماحمله آوردند . آنها در شماره ۳۵ " توفان " د و مطلب از پیش طلب را اختصاص به حمله به سازمان ماد اند . آنها با استفاده از خیانت چند تن انگشت شمار ، بجای اینکه لبه تیز حمله خود را متوجه رژیم نمایند ، بار فریسم و تسلیم طلبی مبارزه بریزند ، حمله بسازمان مارا در دستور کار خود قرار دادند . برای " هیات مرکزی توفان " (قاسمی - فروتن) هیچ واقعه تاریخی مهتر از این نبود است که چند عضو سابق سازمان انقلابی به دشمن تسلیم شده و خیانت کرده اند . آنها بجای اینکه قطعنامه ای در دفاع از مبارزات مردم بنگارند قطعنامه ای گزرا نند که سراسر آن پر از فحاشی بسازمان انقلابیست . ما از آنان انتظار جزاین نداشته وند . در دوره پارمانه اجایی برای مبارزه قهرمانان مردم نیست و " هیات مرکزی " آنها سخن دیگری جز بد گوئی به سازمان انقلابی ندارد .

دوشیوه متضاد: مارکسیست - لنینیستها حتی در برخورد با مخالفان خود همواره در نظر دارند که در جریان این برخورد ، سطح آگاهی نخبه تود های مردم بالا برود . شیوه مارکسیستی - لنینیستی که از پیش تود های سرچشمه میگردد ، همواره هدفش آموختن آرد و ها و آموختن به تود هاست . آنها هرگز فقط " برای " ابراز مخالفت " پاسخ نمیکند بلکه هدف عمده هاینست که طی مبارزه تود های خلق را به سلاح مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون مجهز کنند و به آنها معیارهای صحیحی در شناختد و مست و دشمن به هند به این دلیل مارکسیست - لنینیستها همواره مسایل جنبش را باز و برای همه تود ها مطرح میکنند . آنها از باصطلاح " حل " مسایل در کش پستوها و در جلسات درست استفاده میکنند و میگویند که همواره در هر بار در جریان بگذرند و از آنها در حل مسایل کمک بگیرند . سبک مارکسیست - لنینیستها در روشن کردن مسایل برای تود هاست .

- درجه اول اهمیت را برای جنبه آید تولوژیک آن قایل میشوند - جنبه سیاسی را بر تشکیلاتی ارجحیت میدهند ، - جنبه تشکیلاتی را بر جنبه های شخصی ارجحیت میدهند .

سازمان ما از این شیوه پیروی کرده است . زمانیکه اختلافات ما با این اشخاص پیدا شد ما شیوه مبارزه آید تولوژیک درون حزبی را در پیش گرفتیم . ما مطابق آموزش رفیق مائوسه تود " دون " معتقد به مبارزه آید تولوژیک مثبت هستیم ، زیرا مبارزه آید تولوژیک مثبت ، سلاحی است برای حصول وحدت در حزب و تشکیلات انقلابی . سلاحی که نیروی مبارزه را تقویت میکند . . . " (علیه لیبیرالیسم صفحه ۱)

ما با در نظر گرفتن این آموزش رفیق مائوتسه دون از اسل تعالی

مبارزه آید تولوژیک بود که سازمان ما را از وجود تعداد زیادی عناصر مشوک ، عوامل روئیزیوئیسیم پاک کرده و آن استحکام بخشید . در دست در جریان مبارزه آید تولوژیک های مختلف ، که بصورت مبارزه بین د و خطمشی ظاهر گرد ، بزرگترین تصفیه سازمانی انجام شد . کمالاتی که اکثریت و ادراگان در آن زمان در همین جریان ، از سازمان خارج شدند . رفیق مائوتسه دون میگوید " حتی اشخاصی هستند که هرگز در تمام طول زندگی خود کوچکترین یوئی از کمونیست بودن نبرده اند . آنها سلما یا لآخره از حزب خواهند رفت . بنا براین باید آنکه حزب ما و صفوف آن را از هر چه در صورتی و صافی تشکیل میدهند ، برای اینکه جنبش انقلابی را طوری رهبری کنیم که با زهم بهتر تکامل یابد و سریعتر به هدف برسد . باید حزب و صفوف آن را هم از لحاظ اید تولوژیک و هم از لحاظ سازمانی بطور جدی منظم کرد . برای اینکه در سازمان منظمتر قرار شود ، باید قبل از زمینه آید تولوژیک نظم برقرار ساخت . باید مبارزه آید تولوژیک پرولتاریائی را بر ضد اید تود - لوژیک غیر پرولتاریائی بسط و تکامل بخشیم " (سخنرانی در محفل ادبی هنری بین آن صفحه ۷۴)

سازمان ما در آید نیز با ادامه مبارزه آید تولوژیک درونی هر چه مستحکمتر خواهد شد و اکنون تیزتر که در صحنه ایران یابیم ان فعالیت گذارده است ، در ریوسه مبارزه رود رو بار رژیم ارتجاعی ، هر چه یاکترو آید به تدریج خواهد شد . هم اکنون سازمان با سلاح تسلیم طلبی و خیانت رویو شده است ، برای آموختن این درس منفی نیز میباید وارد عمل میشویم تا بتوانیم اصولا ی چنین بدیه های رویو رود یکم زیرا اگر سازمان ده سال هم در خارج کشور میماند ، صرف نظر از اینکه معیارهای مارکسیستی - لنینیستی را از دست میداد ، هیچگاه امکان آزمایش افراد را نمیداشت . اکنون جنبش طرد و انتقاد تسلیم طلبی پس از رویو شدن با این بدیه منفی بوجود آمده است و بدین ترتیب سازمان با آید تولوژیک غیر پرولتاریائی چه در صفوف خود و چه در خارج قطعنامه مبارزه میکند .

اما ببینیم کسانی که خود را " یگانه سازمان مارکسیستی - لنینیستی ایران " مینامند تا چه حد از شیوه های مارکسیستی - لنینیستی پیروی کرده اند ؟

آنها تا آنجا که ممکن بود مهرسکوت بر لب زدند و از مباحثه علمی خود دری نمودند ، بلکه متصد بکین نشستند تا فرصتی مناسب بدست آید و آنگاه بمحله کنند . طبعاً در چنین حالتی برای آنها هیچوجه در جریان گذاشتن تود ها و ارجحیت دادن به آید تولوژیک و سیاست مطرح نبود است .

به وحدت حرکت تود بپوشاوسنیمیا انتقاد از آنان ، مواضع نادرستان را اصلاح کنیم . اما آنها نه حاضر بودند انتقادی بپذیرند و نه از خود انتقاد کنند . آنها برخلاف لنینیستهای واقعی از انتقاد از خود و همه داشتند .

سازمان ما پس از آنکه مرحله مبارزه آید تولوژیک ، گزارشی را در کفرانس سوم (فوق العاده) به تصویب رسانید که با تجزیه و تحلیل مارکسیستی از اوضاع ، ضرورت اهمیت مبارزه باروئیزیوئیسیم و برخورد با اپورتونیسیم تاریخی حزب تود ایران بریدن از روئیزیوئیسیم و اپورتونیسیم تاریخی آن حزب را در دستور کار قرار میداد . انتقاد از خود این اشخاص که سالها رهبری حزب تود نمشسته بودند ، کامپیسی میبود برای حفظ سازمان از نفوذ اپورتونیسیم و روئیزیوئیسیم ، اما آنها بجای شرکت فعال ، تصمیمات این کفرانس را زیر انداختند و بدین غیابت ضد - سازمانی دست زدند .

ما پس از اخراج آنها از سازمان طی مقاله ای در شماره ۷ تود (اسفند ۴۵) ، موارد اساسی اختلافات را روشن کردیم . ما منقراط خود آنها را در مورد مرحله انقلاب ایران ، ساختمان حزب ، ارزیابی از گذشته حزب تود و وساله اساسی انتقاد از خود ، مطرح کردیم و همگان را در جریان د و موضع مختلف گذاشتم . ما همچنین در مارس ۶۶ و جزو های تحت عنوان " پیش بسوی وحدت حاصلی مارکسیست - لنینیستها " انتشار دادیم . ما در این جزومه مواضع خود را در مسایل مورد اختلاف بیان کردیم و اپورتونیسیم آنها را از لحاظ آید تولوژیک ، سیاسی و تشکیلاتی افشا نمودیم .

ما در مبارزات درون سازمان خود همواره از این اصل حرکت کرده ایم که مبارزات آید تولوژیک را اساسی قرار دهیم بنظر ما سازمانهای نوریسید مارکسیستی - لنینیستی همه جاد رمعرض خطر نفوذ عوامل روئیزیوئیسیم و ارتجاع قرار آرند . این سازمانها هر چه تود هانزد یکترا باشند و در ریونو با آنها در عمل انقلابی درگیر باشند ، این خطر کمتر میشود . بنا براین برای سازمان ما که در خارج کشور تشکیل شده بود ، در ریونو د فشرده میاتوده هاینست ، این خطر زیاد تر است . سازمان ما از کمبود رجعت انتقال خویش به ایران قد پهر داشت و ازسوی دیگر همراهمان ، مبارزه آید تولوژیک درون سازمانی را هر چه بیشتر گسترش داد ، در دست همین

آنها همواره در جهت عکس آنچه مارکسیست - لنینیستها باید باشند حرکت کردند یعنی برای آنها مساله شخصی بر تشکیلاتی و تشکیلاتی بر سیاسی و آید تولوژیک تقدم داشته است . آنها بجای شیوه مبارزه آید تولوژیک ، شیوه " بر - بربسب زدن " را در پیش گرفتند . آنها چه پیش از کفرانس سوم (فوق العاده) چه پس از آن هیچگاه بمبارزه آید تولوژیک درون سازمانی پاسخ مثبت ندادند . بلکه از حضور در جلسات امتناع میورزیدند و بانواع حيله ها از زیر بر خورد سازمانی شانه خالی میکردند آنها حتی خانه خود را عوض کردند و هی نشانی برای سا - زمانی که خود را عضو آن میدانستند بجای نگذاشتند مگر یک شماره حساب بانکی که " کشف حقوق ما را اینجا حواله کنید " !! آنها حتی پس از آنکه در رهبری " توفان " جسی گرفتند در مقابل طبیعت ماسدوت نرند . آنها همواره یکم برشعرد میبودیم - وای ندانند . بلکه بعین نشستند . اولین فرصت برای آنها مرت سخانی بود . آنها در این هنگام ناگهان سر از پوست در آوردند و بیای بدگوئی به سازمان را گذاشتند . در مقاله ای بدین مناسبت با آوردن یک جمله " شرح اختلافات سخانی و دور رفیق دیگرا آن چند تنی که انحرافات آید تولوژیک ، سیاسی و سازمانی نشان هر روز کم و بیش آشکار شده است ، در این مقاله محلی ندارم از برخورد آید تولوژیک و سیاسی شان خالی نرند و در عوض بشیوه مالف خود پنایم کردیم . این شیوه عبارتست از فحاشی ، نسبت پلیس دادن ، از طرح مسایل سیاسی و آید تولوژیک گریختن و مسایل شخصی را محور اختلافات قرار دادن .

ببینیم آیا کوچکترین فرقی بین قاسمی و فروتن امروز با قاسمی و فروتن ۲۰ سال ، ۱۰ سال یا ۵ سال پیش هست ؟ نه ! در آن زمان هم که همین آقایان براریک قدرت در حزب تود نیکه زد بودند ، هر ش را کتجرات میکردند و از دستگاه رهبری انتقاد کند ، با چاقی عامل امپریالیسم و جاسوس میگویند . این سیاست در تمام زندگی رهبری حزب تود و بویژه شخص قاسمی که بر سوند قدرت نشست بود ، بچشم میخورد . هم او بود که حتی در مهاجرت ، کسانی را که جرات کرده و رهبری حزب تود را به انحراف از مارکسیسم - لنینیسم متهم ساخته بودند ، در محله دنیا با چاقی جاسوس و حامل سازمان امنیت میگویند .

حال نیز همین شیوه ادامه دارد . آنها در مقابل حملات آید تولوژیک سازمان ما که طی تجزیه و تحلیلهای بغل باره جملو چشمشان گذاشته شده است چه کنند ؟ آنها خود را رهبران مارکسیست - لنینیستها میدانند ولی آنچه که مربوط براه انقلاب ، شیوه ساختن حزب ، مرحله انقلاب ، بررسی گذشته و غیره در جنبش مارکسیست - لنینیستی ایران انتشار یافته است ، از جانب سازمان ما بود است . آنها از شدت غضب بخود میپسندند . چه بگویند؟ بهترین اسلحه چنین اشخاصی دشنامگویی و بر چسب زدن است . همه منطقی آنها در چند کلمه ختم میشود : " شما عامل روئیزیوئیسیم و ارتجاع هستید " و یا " شما جاسوس سازمان امنیت هستید " و پس ا رفیق مائوتسه دون چنین شیوه ای را محکوم میکند . او میگوید " ما هرگز نباید مسایل را بطور سوئوژیکوئیسیتی بررسی نمائیم و اجازه دهیم عادت ناپسند قدیمی " بر چسب زدن " بهر ادامه یابد .

(نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی صفحه ۳۲)

شیوه دیگر آنها اینست که مسایل مشخص را محور عوامفریبی های خود قرار دهند . آنها در حقیقت به این طریق عواطف مردم را برمیانگیزند و میکوشند برای خود جلب ترحم نمایند . اگرچه نامه احمد قاسمی که در دیماه ۱۳۴۴ در " توفان " چاپ شد و بر سر دآن مدیحه قاسمی در مورد حزب تود مایران نقش بسته بود ، رجوع کنیم ، میبینیم که در اینجا نیز از " فشار مادی " و مساله حقوق بنحو تسووع آوری صحبت شده است ، که حقوق قبول نکردیم و " رفیق کیانوری شخصاً بخانه ما آورد و بناچار قبول کردیم " که البته فروتن در باره قهر کرد و پس فرستاد !! در مقاله " مرگ سخانی " نیز از این شیوه استفاده کردند که گوئی رفقای سازمان آنها را " بدون کترین وسیله امرامعاش تنها گذاشتند و خندان خندان در کمین نشستند که گیوتین گرسنگی و بی خانمانی بر گردن آنان فرود خواهد آمد " . بگذریم که اینها جز یک سلسله دروغ و اتهام نیست . ما از همان آغاز نخواستیم بجای مبارزه آید تولوژیک و سیاسی ، شرح وقایع را به هم ویرا ی بقیه در صفحه دوم

کامبوج

مناطق آزاد شده توسط نیروهای مسلح آزاد بیخشی ملی .

مناطقیکه جنگ پارتیزانی در آن توسط نیروهای مسلح آزاد بیخشی ملی بطور وسیع و با قدرت در جریان است .

مناطقیکه واحدهای پارتیزانی نیروهای مسلح آزاد بیخشی ملی در آن فعالیت میکنند .



کاملاً نابود ساخته و صدها استحکامات نظامی دشمن را خراب کند .

- به ۱۲ مرکز ایالتی حمله کردند ، مرکز ایالتی و صدها دهکده بجمعیت یک میلیون نفر را آزاد سازند .

کلیه خلایقهای ستم دیده و انقلابی جهان از این پیروزی بزرگ خوشحالند . پیروزی جنگ تود های در کامبوج پیروزی اندیشه مائوتسه دون ، پیروزی خط انقلابی " قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون میاید " را بطور درخشانی نشان میدهد . خلق کامبوج حتماً امپریالیسم و سگهای زنجیریش غلبه خواهد کرد . برای امپریالیسم امیکا و هندستان نزدیک او یعنی تزارهای نوین شوروی که بشیرمانه از برسمیت شناختن دولت اتحاد مللی کامبوج امتناع میورزند ، جز تنگ و نفرت و شکست متضحانه راه دیگری موجود نیست .

به مرکز فرماندهی دشمن حمله نمود ، دو مرکز را

اندیشه ها و توده دون ستاره سرخ راهنمای ماست